

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

فراموشی

به یاد لعلت از چشم گهر ریخت
تو ای صیاد، رحمی کن خدا را
به آن مرغی که در دام تو پر ریخت
شدم خونین جگر از فرقت تو
سرسک از دیده با خون جگر ریخت
تو تا رفتی ز چشم ای نور دیده
سیه شد روزم و نور از بصر ریخت
سری میخواست در پایش فتادن
به پیشش سر بسر دیدم که سر ریخت
کمرها زیر بار غصه خم شد
چو زلف آن پریرو تا کمر ریخت

«اسیر» ما ز عمری در قفس ماند

که صیادش ز خاطر برد و پر ریخت

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، حمل 1330 ش)